

پیه مونتسو و کشف نسخه شاهنامه فلورانس

پدیدآورنده (ها) : امیدسالار، محمود

ادبیات و زبانها :: نشریه بخارا :: آذر و دی ۱۳۹۰ - شماره ۸۴

صفحات : از ۴۹۷ تا ۵۰۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1000868>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۴/۰۹/۲۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- بدر بن حسویه فرمانروای مقتدر و دادگستر ایرانی
- موسس و پیشوایان اهل حق
- وضعیت دینور در عهد آل حسویه (۳۳۰-۴۰۶ ق)
- قوم گوران
- سفر در سنت اول عرفانی با تکیه بر آرا و نظریه‌های عطار نیشابوری
- جستاری گونه‌گون: شاهنامه ی فردوسی مورخ ۶۱۴ ه. ق و نسخه ی تفسیر قرآن در فلورانس
- خاندان برسقی و تحولات عصر سلجوقی
- درباره نظامی و خمسه خسرو و شیرین
- «سفر» از منظر قرآن ، عرفان و ادبیات عرفانی
- معرفی و تحلیل نسخه‌های خطی فرقه اهل حق
- کتابشناسی فرقه اهل حق «یارسان»
- سفر در متون نثر عرفانی

عناوین مشابه

- جستاری گونه‌گون: شاهنامه ی فردوسی مورخ ۶۱۴ ه. ق و نسخه ی تفسیر قرآن در فلورانس
- شاهنامه پژوهی: درباره ی دو نسخه ی خطی شاهنامه (نسخه ی موزه ی بریتانیا و نسخه ی کتابخانه ی ملی فلورانس)
- گفت و گو: شاهنامه فردوسی به روایت نسخه فلورانس (در گفت و گو با عزیزالله جوینی مصحح شاهنامه فردوسی نسخه فلورانس)
- درباره ی دو نسخه ی خطی شاهنامه (موزه ی بریتانیا و فلورانس)
- شاهنامه ی فردوسی و نسخه ی خطی کتابخانه ملی فلورانس - مورخ ۶۱۴ ق)
- شاهنامه ی فردوسی و نسخه ی خطی کتابخانه ملی فلورانس
- بررسی تطبیقی تصاویر چاپ سنگی شاهنامه در دوره قاجار و نسخه های مشابه هندی
- روابط کهن فرهنگی ایران و هند و معرفی نسخه های خطی شاهنامه در موزه ملی هند
- ماجرای چگونگی کشف یک نسخه خطی قدیمی دیوان حافظ در گور کهپور و تحشیه و چاپ آن
- بخش ادبیات: فردوسی و شاهنامه (مشخصات نسخه های خطی مورد استفاده ما)

پیه مونتسه و کشف نسخه شاهنامه فلورانس

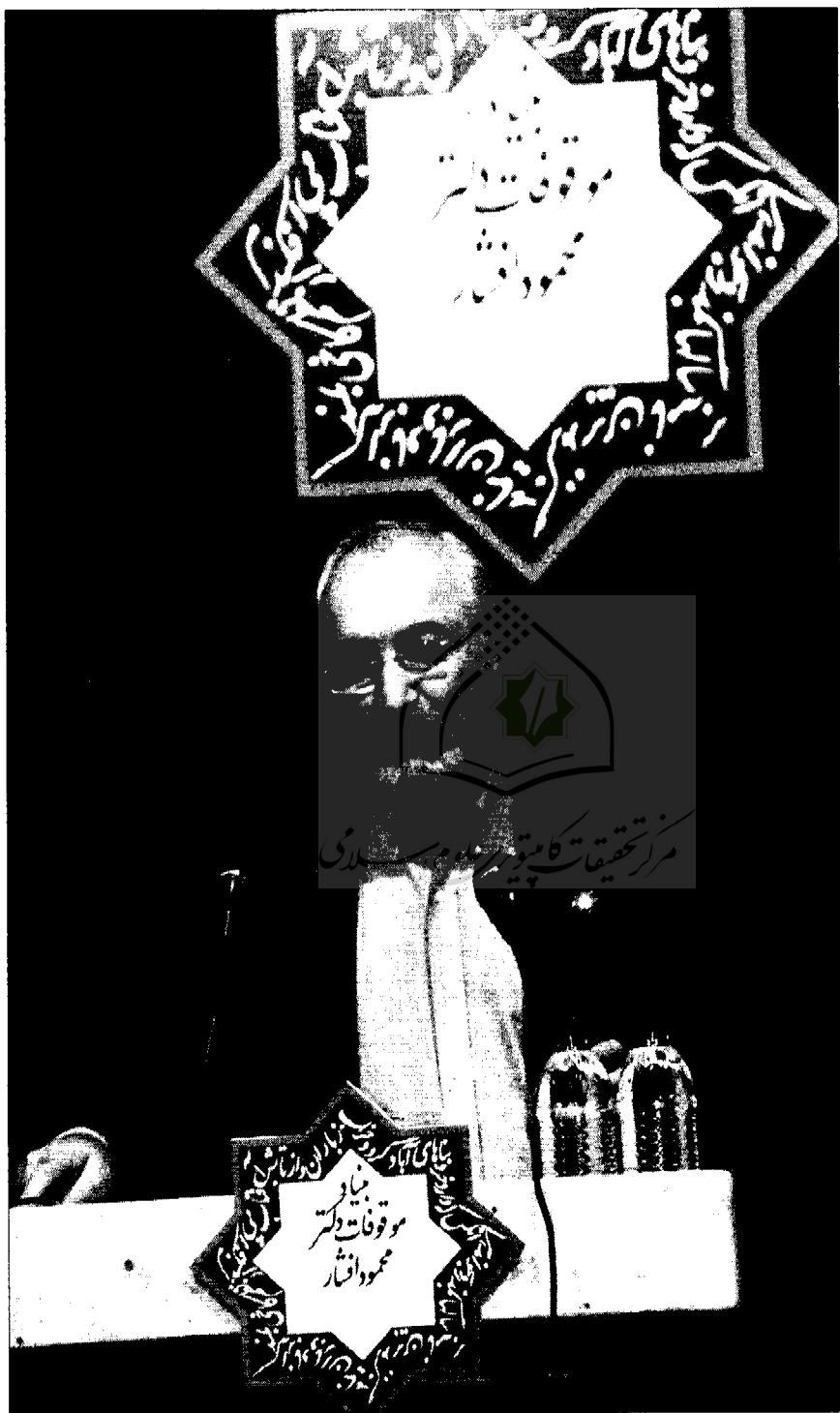
محمود امیدسالار

۴۹۷

بخارا
سال چهاردهم
شماره ۸۶
آذر - دی
۱۳۹۰

با عرض سلام و ادب خدمت جناب استاد پیه مونتسه و دیگر آقایان و خانم‌هایی که تشریف آوردند؛ راستش قرار بود که دیروز بازگردم به جایی که در آن زندگی می‌کنم، متأسفانه یا خوشبختانه آقای آرش افشار به بنده گفتند که جناب پیه مونتسه قرار است که در اینجا جایزه‌ای بگیرند و بنده به احترام ایشان، سفرم را یک هفته به تأخیر انداختم.

عرض شود که، آنچه که درباره جناب استاد پیه مونتسه و خدماتش به زبان و فرهنگ و ادب فارسی، باید گفته شود، دوستانی که قبل از بنده صحبت کردند، گفتند. بنابراین اجازه بدهید که فقط در مورد بخش بسیار محدودی که حیطة نسبتاً تخصصی خودم هست صحبت کنم و آن کشف نسخه بسیار مهم فلورانس است که آن را ما واقعاً مدیون ایشان هستیم. تنها گله‌ای که بنده دارم این است که چرا بخش دوم را کشف نکردند و امیدوارم که انشاءالله آن هم به یاری خدا یک روزی پیدا شود و افتخار کشف آن نیز نصیب خود استاد پیه مونتسه شود. این نسخه متأسفانه مثل هر چیز دیگری در مملکت ما یک قدری بررسی‌اش حالت «حیدری و نعمتی» پیدا کرده. نسخه‌هایی از قبیل نسخه فلورانس وقتی کسانی که این همه به کتاب‌های خطی آشنایی دارند، به این نسخه نگاه می‌کنند ولو تاریخش اندکی دست‌خوردگی داشته باشد یا نداشته باشد - که به نظر بعضی‌ها دارد و به نظر بعضی‌ها ندارد و بنده نمی‌خواهم وارد آن مطلب شوم - این نسخه مغتنم است؛ هم از نقطه نظر هنر کتاب‌سازی، کتاب‌آرایی و استنساخ و هم از نقطه نظر واژگان و مفردات و کمکی که به تصحیح متن شاهنامه می‌کند. البته بنده در مورد تصحیح یک قدری نظرم با خیلی از استادان دیگر تفاوت



دارد. به این معنی که من فکر می‌کنم اهمیت دادن به نسخه اساس، هر نسخه اساسی که می‌خواهد باشد، مگر نسخی که به خط یا نویسنده است یا یک چنین سندیتی دارد، در دوره کامپیوتر دیگر زیاد سندیتی ندارد. یعنی، شیوه تصحیح متن تا حدودی، مثل هر چیز دیگر، بر پایه امکانات تکنولوژیک عرضه متن قرار دارد. بنابراین، روزگاری که صحبت از تکیه به نسخه اصل و جنبی‌انگاشتن نسخه‌های فرعی قلمداد می‌شد، این روزگار به نظر من با وجود کامپیوتر و امکاناتی که کامپیوتر به ما می‌دهد کم‌وبیش ملغی است. به این خاطر که اگر مصحح کلیه نسخه‌بدل‌ها را بادقت، مخصوصاً نسخه بدل‌هایی که کم‌نقطه یا بی‌نقطه هستند در پای صفحات، و نه آخر کتاب بگذارد، بهتر است. هیچ‌کس به آخر کتاب مراجعه نمی‌کند، بنابراین جوان‌هایی که اینجا هستید اگر می‌خواهید کتاب تصحیح کنید از بنده به شما نصیحت اگر می‌خواهید کسی نسخه بدل‌های شما را بخواند، آخر کتاب نگذارید چون بنده که خیلی هم به نسخه بدل علاقه و اعتقاد دارم بسیار به‌ندرت زحمت رفتن به آخر کتاب را به خودم هموار می‌کنم. مخصوصاً وقتی که کتاب را در چند مجلد عرضه کنید، بنابراین پای ورق که بگذارید بهتر است — به هر روی، اگر نسخه‌های خطی وجوه تفاوت یا ضعف‌های گوناگون نسخی که مصحح استفاده کرده در پای صفحه باشد دیگر اینکه کدام نسخه اصلی است و کدام یک فرعی، به نظر من کمابیش ملغی است. اما از نقطه‌نظر شیوه کار یا بدیهیات امر بالاخره می‌باید یک نسخه را نسخه اصل انگاشت و متن آن را اصل قرار داد و با نسخه‌های دیگر مقایسه کرد. از این موضوع راه‌گریزی نیست، اما اینکه پربها دهیم به نسخه لندن یا نسخه فلورانس یا نسخ دیگر به‌نظر من چندان فایده‌ای ندارد. تمام اینها را گفتم که عرض کنم که این دعوای سر اینکه آیا نسخه فلورانس که آقای خالقی بدان خیلی تکیه کرده است در چاپ خودش، یا نسخه لندن باید بدان تکیه شود یا نسخ دیگر تا جایی که نسخه بدل‌ها در دسترس قرار بگیرد این مطلب، مطلب مهمی نیست. اما خود این نسخه یک خصوصیت و ویژگی‌های مخصوصی دارد که در قیاس با دیگر نسخ، اعتباری در ذهن عده‌ای از متخصصین به این نسخه می‌دهد. طبعاً متخصصین دیگری هم هستند که این اعتبار را برای این نسخه قائل نیستند. این مسئله، مسئله‌ای علمی است و نه مسئله‌ای خصوصی و شخصی که بخواهیم در سر و مغز هم بزنیم یا خیلی انتقادات را تیز و تند بکنیم یا جنبه خصوصی بدان بدهیم. این نسخه هست، نسخ دیگر هم هستند و به صورت خیلی علمی و بدون دخالت احساسات و اینها، انسان با آن برخورد می‌کند. جناب پیه مونتسه که این نسخه را کشف کردند از این نقطه‌نظر یک حق بزرگی به گردن مصححین شاهنامه دارند؛ بخاطر اینکه یک متنی را در دسترس قرار دادند که سابق بر این اکتشاف ایشان موجود نبود و واقعاً تکانی به قسمت‌هایی از شاهنامه‌شناسی دادند. به نظر بنده البته نسخه‌ای که اخیراً آقای دکتر موسوی در بیروت کشف کردند و بنده و مرحوم افشار آن را چاپ عکسی کردیم تا در دسترس فضلا قرار بگیرد، آن نسخه هم از اهمیت شایانی برخوردار است ولی هیچ‌یک از این نسخه‌ها به خودی خود، نه متن شاهنامه را می‌تواند به ما بدهد و نه خیلی اهمیت و

ویژگی‌های خاصی دارد که بخواهیم به آن انکاء مطلق داشته باشیم. مطلب دیگری را هم درباره تصحیح متن عرض می‌کنم و عرایض را به پایان می‌برم و برای آقای پیه‌مونسه آرزوی سلامت و سعادت و عمر دراز و موفقیت روز افزون می‌کنم. آن مطلب این است که از زمان مرحوم استاد مینوی و استاد خانلری و دیگر فضلا که در اروپا معمولاً تحصیل فرمودند یک نوعی شیفتگی و علاقه خاصی به روش‌مند بودن متدهای غربی در تصحیح وارد ایران شد. ورود این عقاید به نظر بنده کاملاً بلامانع است. هرچه بتوانیم از هر فرهنگی بگیریم و بر پایه آن بومی‌سازی کنیم و چیزی از آن درآوریم بسیار هم خوب است. اما یک نکته را فضایی که این مطالب را وارد، به قول امروزی‌ها «گفتمان» علمی تصحیح متن کردند در نظر نگرفتند و آن این است که همانطور که با تاریخ تصحیح متن در اروپا آشنا هستید، می‌دانید که بیشتر تئوری و کارکردهای این فن از فضلا و علمایی پیدا شد که در اصل بر روی متون مذهبی کار می‌کردند از قبیل انجیل و غیره و یا روی متون ادبی کلاسیک اروپایی، آدم‌هایی مثل بنتلی، اراسموس و غیره پایه‌گذاران این فنی بودند که بعدها در خیلی از محققین انگلیسی و امریکایی و اروپایی به حد قابل توجهی از پیشرفت رسید، آنها با متون مذهبی خود شروع کردند. بنده فکر می‌کنم که اگر، محققین ما هم توجه بکنند به آنچه که محدثین در تصحیح متن، در تصحیح اسامی در تصحیح عبارات حدیث به کار بردند، بسیار بسیار ممکن است که ما بتوانیم شیوه‌های اجداد خود را دوباره کشف کنیم و اینها را با آنچه که از تکنیک فرنگی می‌دانیم تلفیق کنیم و یک تکنیک ایرانی کمابیش خالص بوجود آوریم. بخاطر اینکه تمدن ما در این مملکت همیشه پیشتاز بوده است در تمدن اسلامی. اگر شما آن هسته مرکزی اعتقادی اسلام را که در بین همه مسلمین مشترک است کنار بگذارید، پیشرفت‌های علمی و ادبی تمدن اسلامی، یعنی رویتایی که بر این هسته اصلی بنا شده بیشتر مرهون کوشش‌های علما و فضلا و دانشمندان ایرانی بوده است. بنابراین بنده هیچ علتی و هیچ دلیلی نمی‌بینم که به همان شیوه‌ای که سابق بر این کار می‌کردیم و همان کوشش‌هایی را که در راه اعتلای دانش به کار می‌بردیم، بدون توجه به این که این مطالب را از کجا اخذ می‌کنیم، در پیش بگیریم. زیرا همانطور که می‌دانید در تمدن ما از هند و روم و از هرجای دیگری که مقدور بود، ایرانی‌ها مطالبی را گرفتند و بومی کردند و این جهش را در تمدن اسلام به وجود آوردند. حال یک گوشه تمدن و تحقیق و علم، همان مسئله تصحیح متن است. تصحیح متن هم به خاطر اهمیت قرآن در تمدن اسلامی و بخاطر اهمیت حدیث، یک مرکزیت خاصی برای علمای ما داشته و دارد. بنابراین من به جوان‌هایی که اهل فن هستند این توصیه را می‌کنم که نه از نوآوری‌ها و تکنیک غربی غافل بشید و نه از مرده‌ریگ نیاکانتان.